

حمید ابراهیمی:

بزرگترین منتقد

خودم هستم



از لحظات برای شما خاطرانگیز و خوشایند بود؟

برای من مثل بسیاری دیگر موفقیت خوشایند است و لحظاتی که مورد تایید کارگردان بود برای من جذاب بود و حالم خوب می شد، ضمن اینکه رضایت مخاطبان با نقش من و نظر مثبتشان درباره فیلم برایم بزرگترین شادی است که امیدوارم همین طور باشد.

همکاری در این پروژه با آقای همتی کارگردان سریال برای شما به چه صورت اتفاق افتاد؟

رفاقت من با حمیدرضا همتی به سال ها قبل برمی گردد، ولی به عنوان کارگردان برای اولین بار با ایشان همکاری کردم، رفاقت و صمیمیت زیادی بین ما بود و تمام لحظات با مشورت و همکاری پیش می رفت. سریال «روز خون» یک کار خوب و حاصل رفاقت، دوستی و یک رنگی گروه است و همین همکاری، صمیمیت و یک رنگی گروه موجب موفقیت این سریال شده است.

بازی در این نقش متفاوت، چه تاثیری در بازی های آینده شما خواهد داشت؟

این رفاقت من نمی گویم اما متأسفانه سینما دست یک عده افراد خاص افتاده است و بازیگران تکراری در سینما و نمایش خانگی بازی می کنند و تلویزیون هم که شرایط خاص خود را دارد، هم اکنون در فصل دوم سریال «حکایت های کمال» بازی می کنم و در این سریال نیز نقش منفی دارم.



من همواره بزرگترین منتقد خود هستم و تلاش می کنم به عنوان یک نقاد به بازی خود نگاه کنم. به هر حال بازی در این نقش با آن تفاوتها که اشاره کردم چالش هایی داشت اما باید ببینم بازخوردها به چه صورت بوده است

حمید ابراهیمی بازیگر اصلی روز خون بیش از این که بازیگر سینما و تلویزیون باشد بازیگر تئاتر است و در دوران نوجوانی با بازی در تئاتر دانش آموزی در سال ۱۳۶۵ موفق به کسب رتبه نخست بازیگری کشور شد. او سال ۱۹ در ۱۹ سگی با فیلم «ای ایران» به کارگردانی ناصر تقوایی اولین تجربه بازیگری خود را جلوی دوربین به دست آورد. ابراهیمی بعد از سال ها حضور در تئاتر با فیلم صاحب دلان سال ۱۳۸۵ وارد قاب تلویزیون شد، سپس سال ۱۳۸۶ در فیلم فرزند خاک بازی کرد و کم کم به چهره های شناخته شده بدل شد. او در فیلم روز خون نیز حضور داشت و در گفتگو با ماهنامه صبا درباره این حضور سخن گفته است که می خوانید.

مثبت اشاره کردید و تفاوت این نقش نسبت به نقش های قبلی تان از بازی خود راضی بودید؟

من همواره بزرگترین منتقد خود هستم و تلاش می کنم به عنوان یک نقاد به بازی خود نگاه کنم ولی باز خورد و نظرات همکاران، منتقدین و مخاطبین مثبت بود. به هر حال بازی در این نقش با آن تفاوتها که اشاره کردم چالش هایی داشت اما باید ببینم بازخوردها به چه صورت بوده است.

می خواهیم خود شما به عنوان بازیگر این سریال بگویید که سکانس مورد علاقه تان در «روز خون» کدام بوده است و چرا؟

صحنه های بسیاری از این سریال را دوست دارم اما در اصل سکانسی که به زیر زمین می روم و متوجه می شوم تروریست ها به شاهچراغ رفته اند را دوست تر دارم، چرا که هم چالش داشت و هم عاطفی بود و هم دشوار.

در طول ساخت سریال کدام یک

در ابتدا می خواهیم بدانم با توجه به اینکه روز خون کاری از مرکز استان فارس است، چرا این نقش را پذیرفتید؟

من بازی در نقش های پرچالش را دوست دارم و این نقش نیز دارای این ویژگی ها بود، من نقش های منفی بسیار زیادی در تلویزیون بازی کرده ام و چون کاراکتر این سریال مثبت بود می خواستم چنین نقشی را نیز تجربه کنم ضمن اینکه دوگانگی های موجود در این کاراکتر از دلایل پذیرش این نقش بود مثلاً همواره در جستجوی سرخ ها و تفکیک مردم بی گناه از مجرم بود. اما همان طور که اشاره کردید، اینکه لوکیشن فیلم برداری شهر شیراز بود و ما دو ماه از تهران دور بودیم چالشی جدی به شمار می آمد و این فاصله و دوری برای من بسیار سخت بود، ولی همکاری و همدلی گروه باعث شد این روزها به راحتی سپری شود و واقعا متوجه این دوری و فاصله نبودم.

با توجه به موضوعی که درباره نقش